

داشته‌اند ریخته‌اند. این مجاری فاضلاب نه تنها در کاخها بود بلکه در شهر احدائی شاه عباس یعنی اشرف مجاری فاضلاب ساخته بوده‌اند. ابتدای این مجرا از باغشاه شروع می‌شد و پس از جمع شدن فاضلاب شهر، در همایون تپه بیرون می‌آمد و صرف کشت و زرع صفحات شمالی به شهر می‌شد.

قصر صفی آباد

قصر صفی آباد از نظر ابعاد در سال ۱۳۶۰ قمری

ابتدای دربارۀ این کاخ که از مجموعه کاخهای شاه عباسی بیرون است می‌نویسد: کاخ صفی آباد بر بالای تپه ایست که مسلط به دشت و پهنای دریا است. در کتاب فریزر تصویری از آن دیده می‌شود. شامل یک طبقه هم-کف و طبقه دیگری بر روی این طبقه. در حدود بیست و پنج یارد وسیع یارد است. طبقه هم کف تالاری در میان و چهار اطاق در چهار کنج بناست. در وسط تالار حوضی از مرمر است که سوراخهایی برای فواره دارد. آب از چهار گوشه بنا خارج می‌شود و از آبشارهای کوچکی از کوه سرازیر می‌گردد. سنگهای بستری را طوری ساخته‌اند که صدای آب زیادتر شود. اطاقهای طبقه دوم طرزی دیگر است و سقف آن کم و بیش فرورفته است. بنا از داخل تزیینی ندارد ولی منظره و تسلط آن جالب است. اطراف باغ جنگل است و انار و وحشی با سرو و کاج درهم شده است. قلۀ دماوند به علت رشته کوهی که در جلو است دیده نمی‌شود. قرا تپه در جهت غرب شمال غرب است و آخرین حد غربی خلیج استرآباد در جهت شمال شرقی است.^{۵۲}

52- K. E. Abbott, Narrative of a journey from Tabriz along the shores of the caspian sea to Tehran, P. 51.

دیدار ناصرالدین شاه از کاخ صفی آباد
در سه شنبه نهم شوال سال ۱۳۹۲ قمری

ناصرالدین شاه دوباره با مازندران سفر کرده یک بار در سال ۱۲۸۲ و بار دیگر ده سال بعد از این تاریخ یعنی سال ۱۲۹۲ قمری. در این سال درباره کاخ صفی آباد می‌نویسد:

خلاصه رانندیم برای عمارت صفی آباد. ده سال قبل که اینجا آمده بودیم، این عمارت صفویه خراب بود. دستور العمل داده بودیم مرمت کردند. باز قدری ناتمامی دارد که باید تمام کنند. منظره بسیار خوبی دارد. از عمارت صفی آباد، دریای بزرگ و دریای کوچک و نیم جزیره میانکاله و اطراف تماماً پیدا است. امروز میانکاله را که دیدم دوشقه است. شقه بزرگ همان است که قریب به انتهای آن قلعه سرتک بنا شده، شقه کوچک چون باتلاق و نیزار است، عبور و مرور نمی‌شود. جز از بلندی صفی آباد از نزدیک پیدا نیست.^{۵۳} (عکسهای شماره ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲)

قصر صفی آباد از نظر محمد حسن خان اعتماد السلطنه

اعتماد السلطنه درباره این قصر می‌نویسد:

الحال از عمارات شاه عباس چند بنا باقی است. از جمله عمارت بسیار خوب عالی که واقع در بالای تپه سمت غربی شهر است موسوم به «صفی آباد» که به حکم همایون خسروانه (ناصرالدین شاه) مرمت و تعمیر کامل شده. عجب اینستکه شاردن می‌نویسد: «بواسطه کاشیکاری در اغلب مدخلهای این عمارت، بالای درها، صورت شیر و خورشید که نشان ایران است، مرسم شده بود و حالا هم همان علامت باقی است.^{۵۴}

۵۳- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۹.

۵۴- مرآت البلدان ج ۱ ص ۴۱.

یکی دواشتباه تاریخی در مطالب منقول محمد حسن خان است. نخست اینکه کاخ صفی آباد در زمان شاه عباس دوم ساخته شده است نه در زمان شاه عباس اول. دیگر اینکه علامت شیر و خورشید بالای سردرهای ورودی کاخهای ششگانه اشرف بوده است نه صفی آباد. در صفی آباد هیچیک از سیاحان ذکری از نشان شیر و خورشید نکرده اند.

آنچه میرزا زین العابدین شیروانی

در باره کاخ صفی آباد نوشته است

میرزا زین العابدین شیروانی ملقب به معصوم علیشاه در شعبان ۱۳۱۵ قمری به کاخ صفی آباد رسیده و درباره آن چنین می نویسد :

همایون تپه از بناهای شاه عباس ثانی پسر صفی میرزا پسر شاه عباس اول است. ۵۵. دماغه ای از کوه به طرف دریا پیش آمده و زیر او بقدر صد ذرع در صد ذرع تسطیح شده و از سنگ و آجر در نهایت استحکام که بیست پله دارد، مرتبه ایست که بالا می روند و از فضای باغچه سرو و نارنجش باقی است. در وسط، بنیان عمارت است بیست ذرع در بیست ذرع، گویا یک پارچه از سنگ گذاشته اند. یک ذرع و نیم ارتفاع دارد. وارد مرتبه اول می شوند. حوض آبی در وسط است که شتر گلوها ساخته اند و از کوه آب در این حوض دائماً وارد می شده و از آنجا به باغچه و حمام و آشپزخانه می رفته و از آنجا در مراتب زیر که به دامنه بوده می ریخته. الحال اصل آب را برده اند و قطره ای آب آن عمارت ندارد.

سه مرتبه دیگر بالای این مرتبه است که همه اطاقهای بزرگ خوب و به هم راه دارد و از اطراف اربعه نظر می نمایند و تمام اطاقهای اطفاها دو پوشش است از گچ و آجر، مگر سقف بالای همه عمارت شیروانی است

و عجب چو بیا انداخته اند. درهای عمارت را کنده اند.

خلاصه دریای خزر را از آنجا خوب سیر می توان نمود و بادوربین تمام سطح آن دیده می شود و کشتی بیگانه را از کنار ساحل معلوم توان نمود. آقا میرزا نصرت خان حافظ الصحه قصیده ای در وصف آن عمارت گفته و بعضی از آن است :

به قصر شاه صفی بین و طاق و ایوانش

که تا مدارج اوج سپهر رفته سرش

یکی بلند حصاری بنا شده در کوه

که طاق گنبد مینا رسیده تا کمرش

به جنب اوست یکی بحر زرف کز عظمت

محیط را نتوان گفت کمترین شمرش

ز وصف او نه همی من بمانده ام عاجز

کی است آنکه در اینجا به گل نمانده خورش

از قراول خانه ها و کشیک خانه ها و فراش خانه و سایر لوازم سلطنتی

که بر زیر و زیر آن کوه بوده، جز تله های خراب آثاری نیست. ۵۶.

مطالبی که ملنگنوف درباره کاخ

صفی آباد نوشته است

عمارت صفی آباد در جانب شمال و کوه افتاده. بجز دیواری سفید که از کناره دریا دیده می شود، چیزی برجای نیست و سه مرتبه بود. مرتبه پایینی بسیار پاکیزه و جای پذیرائی مردمان بزرگ و حجره ها منبت است. هم در اینجا رصدخانه برای ستاره شمردن بوده. این جایگاه بسیار باصفاست چه مشرف است به اطراف دریا و کناره گز و بیابان تراکمه. ۵۷.

ناصرالدین شاه در قصر صفی آباد

ناصرالدین شاه روز چهاردهم ذی الحجه سال ۱۲۸۳ قمری به تماشای صفی آباد که شاه صفی در بالای کوه مرتفعی عمارت محکم خوبی بنا نمود که مشرف بر اشرف و جمیع صفحات مازندران و دریاست رفت.^{۵۸}
در زمان رضاخان این کاخ تعمیر و مرمت گردید و چون تسلط به دریا داشت محل رادار امریکائیها شد. (عکس شماره ۳۵۳ و ۳۵۴)

همایون تپه = گلستان تپه

در حدود سه کیلومتری شمال اشرف (پهشهر)، بر طرف شرقی راهی که به دریا می رود، تپه دستای بزرگی است که ارتفاع آن در حدود سی متر و سطح بالای آن در حدود دوهکتار است. بر بالای آن بنائی هشت ضلعی از سنگ سفید آهکی بوده است. اغلب سنگها به ابعاد ۶۴ × ۶۴ سانتی متر با قطری نزدیک به ده سانتی متر که روکاری ساختمان از آنها بوده است. روی نمای خارجی بیشتر سنگها، علائم مخصوص سنگ تراشان حک شده است. این علائم در سنگهای کاخها و مساجد و کاروانسراهائی که در دوران صفویان بنا شده، دیده می شود. سه علامت مشخص به این شکل بر این سنگها دیده شد.

دامنه های تپه و بالای آن درختکاری بوده



است و امروز هم درختان انار و مرکبات در آن زیاد است. ولی اغلب جوان و نسبتاً تازه کاشت بودند و به دوران آبادانی تپه مربوط نبود.

محمد طاهر وحید قزوینی درباره ایجاد کاخ همایون تپه مطالب زیر را نوشته است:

در سال ۱۰۶۲ شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۳) دستور داد بر سر پشته ای که نزدیک شهر اشرف است کاخی بسازند و در سال ۱۰۶۳ کاخ تمام شده بود و به «حفر دریاچه و گلکاری و سایر لوازم فرمان دادند و آن مکان

۵۸- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۹. مرحوم مهجوری در نقل تاریخ اشتباه کرده است.

شریف را به همایون تپه موسوم فرمودند.^{۵۹}

در سال ۱۰۷۰ مرکز ضمیر انور گشته، امر فرمودند که در کنار دریاچه همایون تپه را که دریائی است محیط بر آن زیبا عمارت گردیده، به اشکال و تمائیل غریب آراسته، هنگامه چراغان آریند و تهیه آتشبازی که چراغان فضای زمین و آسمان بدان میسر است نمایند.^{۶۰} پس از ترتیب وسایل چراغانی و آتشبازی، شاه در مرتبه فوقانی عمارت همایون جلوس فرمودند.^{۶۱}

محمد طاهر وحید قزوینی در سال ۱۰۶۳ قمری درباره همایون تپه می نویسد:

در سال ۱۰۶۳ که شاه عباس ثانی از سیرو گردش فرح آباد باز می گشت به دیدن همایون تپه رفت. عین عبارات او چنین است:
و چون در سنه سالفه پشته ای را که در رفعت نمودار آسمان و در استداره اطراف شبیه چرخ گردون بود، در قرب شهر انتخاب فرموده به ساختن بنائی بر بالای آن فرمان داده بودند و این کار صورت انجام یافته بود. در این اوقات لازم السعادات نیز متوجه اتمام آن شده به حفر دریاچه و گلکاریها و سایر لوازم فرمان دادند و آن مکان شریف را به «همایون تپه» موسوم فرمودند.^{۶۲}

صاحب عباسنامه درباره چراغانی همایون تپه می نویسد:

هنگامه چراغان دامی است که کام دل از تماشای بدان می توان گرفت و پرتو این صحبت آتشی است که تمنا بدان توان پخت. بنا بر این تماشای این هنگامه خلد آئین و گلگشت این بوستان ارم تزیین مرکز ضمیر انور (شاه عباس دوم) گشته امر فرمودند که کنار دریاچه همایون تپه را که دریائی است محیط آن زیبا عمارت گردیده، به اشکال و تمائیل غریب آراسته،

۵۹- عباسنامه ص ۱۶۹ و ۱۷۰. ۶۰- عباسنامه ص ۴۸۲.
۶۱- عباسنامه ص ۲۸۵. ۶۲- عباسنامه ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

هنگامه چراغان آریند و تهیه آتشبازی که چراغان فضای زمین و آسمان بدان میسر است نمایند که از فرش خاک تا سطح مقعر افلاک از شموع فروزان و تیرهای آسمان جولان و نجوم درخشان چراغان باشد. چگونگی دریاچه که حسب فرمان اعلیحضرت (شاه عباس دوم) بر اطراف آن مکان همایون احداث شده، زبانزد خامه سخن طراز نگشته لهذا بجهت اینکه کیفیت وقوع چراغان بر خوانندگان روشن گردد، به منظومه‌ای که مشتمل بر اوصاف آن مکان غرابت نشان است گویا می‌گردد.^{۶۲}

نظم

همایون تپه جای باده‌نوشی است
 ز رشکش چشم جنت گشته تارک
 به عهد نو بهارش چرخ گردان
 سزد از خلد بستاند اگر باج
 چمن باشد ز خاک او نمایان
 از این گلزار رنگین همایون
 در اینجاسبزه رشک چرخ مینوست
 هوا هم باغبان هم آبیاری است
 نهال خشک این گلزار مینو
 دل دریاچه‌اش از رشک گلها
 کند دریا ز حسرت شور جاوید
 ز بخت بد چو وصلش نیست مقدور
 بتابد از حصارش پسرده داری
 در و دیوار و سقفش گل نگار است

۶۳- عباسنامه ص ۲۸۲.

نموده ابرار از آنگونه تصویر
 که سازد تشنه را نظاره‌اش سیر
 بنوعی شکل آهو را کشیده
 که بوی مشک از نافش شنیده
 چنان داد از تحرك سرو را تاب
 که گوئی سایه سرو است در آب
 بود این بوستان خلد عنوان
 بنای پادشاه ملسک ایران
 فروغ طلعت گیتی ستانی
 شه صاحبقران عباس ثانی^{۶۴}
 ابیاتی که ظاهراً خود محمد طاهر وحید قزوینی ساخته مجموعاً شصت و شش بیت است. چون ابراهیم دهگسان در تصحیح دقت نکرده بود و معانی ابیات گنگ می‌نمود چند بیتی از این قصیده انتخاب شد.

رضا قلی‌خان هدایت درباره همایون تپه می‌نویسد:

برپشته‌ای که در حوالی باغ اشرف است و بردریا و صحرا مشرف، به حکم همایون (شاه عباس دوم) عمارت و دریاچه و باغچه پر گل‌های رنگارنگ اتمام یافت و آن را «همایون تپه» نام نهاد.^{۶۵}

آب بندان عباس آباد

آب بندان عباس آباد در سه کیلومتری جنوب شرقی اشرف یکی از کارهای خیر شاه عباس است که تا امروز شالیزارهای ساکنان ال تپه و شاه کیله و سارور آبیاری می‌کند.

این دریاچه که منظره‌ای بسیار زیبا و جالب نظر دارد (عکس شماره ۳۶۰)، یکی از محلهای تفریحی شاه عباس و شاه صفی بوده است و در کنار سد ساختنهای زیادی برای استراحت و تفریح ساخته بوده‌اند.

شاه عباس برای ذخیره آب سدی به پهنای ۷ متر و ارتفاع ۲۰ متر و درازای ۵۰ متر (عکس شماره ۳۶۱) ساخته است. برای اینکه آب این سد را که در طول سال در سطوح مختلف قرار می‌گیرد خارج کنند و صرف آبیاری مزارع نمایند، بنائی

۶۵- روضة الصفا ج ۸ ص ۲۰۶.

۶۴- عباسنامه ص ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴. این مطالب در تاریخ مازندران مهجوری ص ۱۰۶

و ۱۰۷ نیز آمده است.

گلدسته مانند جزء دیوار سد است که داخل آن پلکان دارد و می‌توان با پائین رفتن از پله‌ها ناهجه‌های مختلف سد را کشید و آب را در رودخانه جاری کرد. در میان آب بندان چهار طاقی مانندی است از آجر که محل تفریح و تفرج بوده است. (عکس شماره ۳۶۲ و ۳۶۳).

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷)

در آب بندان عباس آباد

شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۳ قمری برای آزمودن شیران شکاری به مازندران رفت و در اشرف جای‌گزین شد و روز پنجشنبه بیستم ربیع الاول این سال که نوروز بود در عباس آباد که از اشرف بر راه دریاست.^{۶۶} و دریاچه‌ای دارد، دستور داد تا اطراف دریاچه را چراغان کردند. خدمتگزاران اطراف دریاچه را دایره وار به اشکال متناسب چوب بندی کردند. بعد از اتمام اعلی حضرت در تالار وسط دریاچه با ملتزمان نشست و دستور داد تا چراغها را افروختند. عکس چراغ در آب از سیر و دور سیارگان حکایت می‌نمود.^{۶۷}

در سال ۱۰۶۶ قمری در اوقات توقف عباس آباد نیز امر اشرف نفاذ یافت که عمارت مبارکه را که در باغ مزبور احداث شده، آیین بسته، چراغان نمایند و مجلس عید را در آن مکان گذرانند.^{۶۸}

ناصرالدین شاه در آب بندان عباس آباد

ناصرالدین شاه روز شانزدهم ذی الحجه ۱۲۸۲ قمری به تماشای عباس آباد روانه شد و در آنجا سدی است که شاه عباس در میان دره بزرگی بسته و دریاچه‌ای بزرگ مملو از آب درست شده و آب این دریاچه سه قریه بزرگ را مشروب می‌کند.^{۶۹}

۶۶- عباس آباد از اشرف بر راه دریا نیست بلکه در طرف جنوبی شهر و طرف کوهستان است. ظاهراً مؤلف عباسنامه شاهد و ناظر عینی نبوده است.

۶۷- عباسنامه ص ۱۵۷ و ۱۵۸. ۶۸- عباسنامه ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۶۹- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۹.

مشخصات آب بندان عباس آباد

در نه کیلومتری جنوب شرقی اشرف

حد اکثر ظرفیت	۶۰۰/۰۰۰ متر مکعب	فاصله دو برج کنار سد	۱۷۵ متر
حد اکثر مساحت سطح	۹۸/۰۰۰ متر مربع	ارتفاع برج	۱۴ متر
حد اکثر عمق	۱۰ متر	قطر برج در بالا	۵/۲۰ متر
طول اصلی سد	۵۰ متر	« در کف	۷/۵۰ متر
ارتفاع سد از کف دره	۲۰ متر	محیط برج در کف	۲۳/۶۰ متر
پهنای سد	۷ متر	عرض پله‌های برج	۰/۸۰ متر
مصالح اصلی سد	سنگ و ساروج	ابعاد آجرهای ساختمان	۲۶ × ۲۶ × ۵ سانتیمتر
مصالح آبگیر سد	آجر و ساروج	فاصله سد تا شهر جلوباغ	۹ کیلومتر
فاصله ساختمان وسط تا سر سد	۱۲۵ متر	فاصله سد تا شهر به خط مستقیم	۵/۵ کیلومتر
فاصله ساختمان وسط تا ساحل غربی	۱۲۵ متر	موقعیت سد	جنوب شرقی به شهر
« « «	« تا ساحل شرقی	ارتفاع از سطح دریای آزاد	۳۸۰ متر
« « «	« تا ساحل جنوبی	ارتفاع از سطح دریای خزر	۴۰۸ متر
ارتفاع آبگیر سد در حدود	۶/۲۰ متر ^{۷۱}		

۷۱- مشخصات آب بندان از کتاب به شهر نقل شده است.

شاه کیله

دریك فرسنگی شمال شرقی بهشهر

حاجی میرزا زین العابدین شیروانی در شعبان ۱۳۱۵ ه. ق. این اثر را به نام «قلعه شاکله» خوانده و می نویسد که يك فرسخی اشرف است کنار دریا^{۷۲}. این بنا ظاهراً قلعه نبوده است بلکه دومیل آجری بوده که با قلعه پلنگان و سرتک ارتباط داشته است و در شمال همایون تپه در دشت واقع بوده است.

روزهائی را که شاه عباس و شاه صفی در اشرف گذرانده اند

شاه عباس در سال ۱۰۳۱ قمری سری به مازندران زده و چند روزی را در اشرف و فرح آباد گذرانیده است.^{۷۳}

در بهار سال ۱۰۳۴ نیز شاه عباس به مازندران رفته و روزهائی را در اشرف گذرانیده است.^{۷۴}

در زمستان سال ۱۰۳۵ نیز در اشرف بوده و سری به فرح آبادساری زده است^{۷۵} و زمستان سال ۱۰۳۶ را بیشتر در مازندران گذرانیده است.^{۷۶}

در بهار سال ۱۰۳۷ نیز به مازندران رفته و چندین روز در اشرف و عباس آباد بوده است.^{۷۷}

شاه صفی (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲) در نوروز ۱۰۴۸ از قزوین به تماشای مازندران رفت و در بلده اشرف و شکار و تفریح بیشه پرداخت و در آغاز گرمی هوا از آنجا به اصفهان رفت.^{۷۸}

۷۲- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶.

۷۳- تاریخ عالم آراج ۲ ص ۹۸۸.

۷۵- همان کتاب ج ۲ ص ۱۰۵۸.

۷۷- همان کتاب ج ۴ ص ۱۰۷۷.

۷۴- عالم آراج ۲ ص ۱۰۲۳.

۷۶- همان کتاب ج ۲ ص ۱۰۶۵.

۷۸- روضة الصفا ج ۸ ص ۲۰۱.

اسیران گرجی در اشرف و فرح آباد

مرحوم مهجوری درباره این اسیران می نویسد:

شاه عباس دوبار به گرجستان لشکر کشید، ولی متأسفانه هر دو بار مطابق عادات و رسوم سیاسی آن روز، هزارهائرا سیر از دختر و پسر به ایران آورد. اسیرانی را که به مازندران آوردند بیشترشان را در اشرف و فرح آباد سکنی دادند.

از گرجستان هفت هزار و از شیروان و قراباغ (به گناه اینکه به گرجستان کوچ کرده بودند) پانزده هزار تن و فزون برایشان مقصرانی را که به مازندران می آوردند و از نظر شاه می گذرانیدند، چه از ترکان عثمانی و از بکان، اگر بخشوده می شدند، بعضی از ایشان بر حسب فرمان در بندر فرح آباد و اشرف البلاد جای می گرفتند.^{۷۹}

آثار دیگر تاریخی شهر اشرف (بهشهر)

چاپارخانه شهر اشرف

این چاپارخانه در سال ۱۲۶۹ ه. ق. به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده است.^{۸۰} مؤلف سفرنامه مازندران و استرآباد این چاپارخانه را در سال ۱۲۷۵ ه. ق. دیده است.^{۸۱} این بنا نزدیک اداره پست و تلگراف فعلی بوده است و یکسره از میان رفته است.

امامزاده عبدالحق

در شهر اشرف (بهشهر)

این امامزاده در پشت بیمارستان فعلی امام خمینی بوده است. اثری از بنای امامزاده نیست. در اراضی آن مدرسه ساخته شده و سایر قسمت های اراضی ضبط شده است.

۷۹- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۹۹.

۸۰- المآثور و الآثار ص ۶۳. ۸۱- همین سفرنامه ص ۸۸.

شاهزاده علی اصغر
در شهر اشرف

مرحوم مهجوری از این امامزاده یاد کرده است.^{۸۲} ابتدا شهرداری تأسیساتی به عنوان شیرخوارگاه در اراضی آن ساخت. فعلاً (سال ۱۳۶۳) بناهای آن در دست سپاه پاسداران است و سایر قسمت‌های اراضی را ضبط کرده‌اند.

شاهزاده حسین
در شهر اشرف

مرحوم مهجوری از این محل یاد کرده است.^{۸۳} گورستانی قدیمی داشت از میان رفته و بقعه مختصری به نام باقی است.

بی‌بی زینب
در شهر اشرف

مرحوم مهجوری از این بقعه یاد کرده است.^{۸۴} فعلاً برقرار است و آثار تاریخی ندارد.

مساجد شهر اشرف
مسجد جامع

محمد حسنخان اعتمادالسلطنه می‌نویسد که از جمله بناهای دوران صفویه است.^{۸۵} ملگنوف نیز نامی از مسجد جامع برده است.^{۸۶} مرحوم مهجوری نیز از این مسجد نام می‌برد.^{۸۷} این مسجد که تکیه هم داشته باقی و برقرار است. چند درمغازه وقفی در اراضی آن ساخته شده است. ساختمان ادارهٔ مخابرات هم در همین اراضی وقفی

- ۸۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۵. ۸۳- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۵.
۸۴- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۵. ۸۵- مرآت البلدان ج ۱ ص ۲۲.
۸۶- نسخهٔ عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب. ۸۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸.

است. در تجدید بنای مسجد از ستونهای چوبین کاخ چهل ستون که ظاهراً از هند آورده بوده‌اند استفاده شده است. فعلاً روی ستونها راتخته کوبی کرده و موافق پسند روز کرده‌اند.

درخت کهنسالی در مسجد بود که در سال ۱۳۶۲ شمسی بریدند تا جای بیشتری برای اقامهٔ نماز جماعت باشد.

مسجد گلشن
در نقاش محله شهر اشرف

مرحوم مهجوری از این مسجد نام برده است.^{۸۸} این مسجد را کوبیدند و تجدید بنا کردند. فعلاً اثری تاریخی در آن نیست.

مسجد نصیرخان با مدرسه

محمد حسنخان اعتمادالسلطنه می‌نویسد که مسجد نصیرخان از بناهای دوران صفوی است.^{۸۹} ملگنوف^{۹۰} و مرحوم مهجوری^{۹۱}، هر دو تن از این مسجد نام برده‌اند. این مسجد فعلاً برقرار است اما با تعویض نام موقوفات فراوانی که داشت من جمله دو دانگ قنات علی‌خانی و سایر رقبات آن را از میان برده‌اند. درخت چنار کهنسال آن بر جای است.

مسجد چال

ملگنوف از این مسجد نام برده است.^{۹۲} پهلوی بانك ملی بود آن را خراب کردند. کوچکترین اثری از آن باقی نیست.

- ۸۸- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸. ۸۹- مرآت البلدان ج ۱ ص ۲۲.
۹۰- نسخهٔ عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب. ۹۱- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸.
۹۲- نسخهٔ عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب.

مسجد میرزا مهدی اشرفی با مدرسه
در شهر اشرف

ملگنوف در سفرنامه خود از این مسجد و مدرسه یاد کرده است.^{۹۳} این مسجد با مدرسه در محل بازارچه بنیاد اشرفی بوده است. فعلا اثری از آن برجای نیست.

مسجد و مدرسه ملاصفرعلی

ملگنوف این بنا را فقط به نام مدرسه ملاصفرعلی خوانده است.^{۹۴} اما مرحوم مهبجوری آن را به نام مسجد و مدرسه ملاصفرعلی می شناسد.^{۹۵} این بنا در نقاشی محله و فعلا برقرار است. آثار تاریخی در آن دیده نشد.

مسجد باشی با مدرسه
در بازار محله شهر اشرف

ملگنوف از این بنا یاد کرده است.^{۹۶} این مسجد برقرار است ولی آثار تاریخی در آن دیده نشد.

مسجد گرجی محله

مرحوم مهبجوری از یک مسجد گرجی محله نام برده است.^{۹۷} در صورتیکه در گرجی محله پایین یک مسجد و در گرجی محله بالا مسجدی دیگر است هر دو مسجد برقرار است. آثار تاریخی ندارد.

حمامهای شهر اشرف

ملگنوف در سفرنامه خود از یکایک حمامهای زیر نام برده است.^{۹۸} ولی باید گفت که محض نمونه یک حمام هم باقی و برقرار نیست و تمام آنها یکسره خراب شده و از میان رفته اند.

- ۹۳- نسخه عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب. ۹۴- نسخه عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب.
۹۵- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸. ۹۶- نسخه عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب.
۹۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸. ۹۸- نسخه عکسی ملگنوف ص ۵۸ ب.

- ۱- حمام شاه در فراش محله بوده و خراب کرده اند.
- ۲- حمام میرزا آقا، کسی در محل این حمام را نمی شناخت.
- ۳- حمام حاج مهدی تاجر در فراش محله بوده است. گذشته از ملگنوف، حاجی زین العابدین شیروانی نیز در شعبان ۱۳۱۵ ه. ق. از این حمام نام برده است.^{۹۹}
- ۴- حمام قاضی، اراضی آن تبدیل به پاساژ حجتی شده است.
- ۵- حمام حاجی، بکلی از میان رفته است.
- ۶- حمام آخوند، فعلا اثری از آن باقی نیست.
- ۷- حمام اسماعیل خان، خراب کرده اند و از میان برده اند.

کاروانسراهای شهر اشرف

از دو کاروانسرای زیر که ملگنوف از آنها یاد کرده^{۱۰۰} کوچکترین اثری باقی نیست.

- ۱- کاروانسرای بزرگ. ۲- کاروانسرای بازار گرجی.

آب انبارهای شهر اشرف

حاجی زین العابدین شیروانی از آب انباری که نزدیک چشمه دره برزو ساخته بوده اند یاد می کند و می نویسد:
یک آب انبار هم قریب آن چشمه ساخته اند، برای تابستان، آبش بسیار سرد است. (در شعبان ۱۳۱۵ ه. ق.)^{۱۰۱}
این آب انبار در فراش محله پشت شهرداری است. انبار آن خراب نشده ولی پاشیر آن را با خاک پر کرده اند.
آب انبار کنجی در فراش محله است. انبار آن باقی است - محمد حسنخان اعتماد السلطنه می نویسد:

- ۹۹- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶. ۱۰۰- ملگنوف چاپ روسی ص ۱۰۱-۱۱۲. ۱۰۱- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶.

آب انبار بسیار بزرگی در حوالی عمارت شاه عباس مرحوم است که در شدت گرما، مردم آب خوردن از آن آب انبار برمی‌دارند. نهایت خنک و گوارا است.^{۱۰۲}
این آب انبار در فراش محله است و برقرار است.
آب انبار تالش در کوچه آب انبار تالش اشرف یکسره خراب شده و از میان رفته است.

سیمکا پل

در محله قنبرآباد اشرف (بهشهر)

پلی است يك چشمه که پایه‌های آن از سنگ و هلال طاق آن از آجر است. بر روی رودی است که از داخل بهشهر می‌گذرد. این پل که ظاهراً شاه عباسی است، مخصوص عبور پیادگان و چارواداران است. (عکس شماره ۳۶۴)

بزر پل

در محله قنبرآباد اشرف (بهشهر)

این پل نظیر سیمکا پل از سنگ و آجر بایک دهانه ساخته شده، پایه‌ها از سنگ و هلال طاق آن از آجر است. دوطرف آن را شهرداری تعمیر کرده و جان‌پناهی ساخته است. ماشین و وسایل موتوری از روی آن می‌توانند عبور کنند. نزدیک پل آب-انباری قدیمی است که فعلاً (آبان ۱۳۶۳) قصد داشتند آن را تبدیل به انبار کنند از پله‌ها و پاشیر آن اثری برجای نبود. (عکس شماره ۳۶۵)

پلهای شاه عباسی در شهر اشرف

پلی بزرگ از سنگ و آجر در شهر بهشهر خیابان امیری امروز بود که خراب کردند و از میان بردند.

پل دیگر از سنگ و آجر به نام رعیت خیل در گرجی محله بهشهر از دوران

۱۰۲- مرآت البلدان ج ۱ ص ۴۲.

شاه عباس باقی بود که در نوسازیها از میان رفت.

درخت چناری کهنسال

در قتلگاه اشرف

در محل قتلگاه يك اصله درخت کهنسال چنار بر جای است که بلندی آن به سی متر و قطر تنه آن دو متر است.^{۱۰۳}

تبری سنگی

از جنگلهای اطراف اشرف (بهشهر)

تبری سنگی متعلق به انسان ما قبل تاریخ در جنگلهای اطراف بهشهر بتوسط آقای عبدالله فولادی رئیس دبیرستان پانزده بهمن- یافته شد که فعلاً در موزه طبیعی دانشکده علوم دانشگاه تهران است.^{۱۰۴}

۱۰۳- بهشهر ص ۲۲۸ . ۱۰۴- بهشهر ص ۱۰۸ .

۱- بناها و آثار تاریخی قره طغان اشرف (بهشهر)

مختصری از جغرافیای قره طغان

دهستان قره طغان از دهستانهای اشرف (بهشهر) است این دهستان شامل : سورک واسرم ونکا ورستمکلا و کوسان (کوهستان) وتروجن است. دهستان قره طغان از شمال به خلیج میانکاله از مشرق به دهستان حومه بهشهر، از مغرب به دهستان میانرود و از جنوب به دهستان اندرود محدود می شود. مرکز این دهستان شهرک نکا است و از ۳۵ آبادی تشکیل شده است و دهکده های مهم آن عبارتند از نکا، رستمکلا، گرجی محله، تروجن، زاغمرز، کوسان (کوهستان) و قره تپه.

تکا از نظر فریزر در سال ۱۳۳۸ هـ . ق.

جیمز فریزر در سال ۱۷۲۲ میلادی به نکا رسیده و درباره آن نوشته است: نکا نام بلوک است که شامل چندین دهکده است که گروهی از طایفه گرایلی که از ترکان هستند در اینجا اقامت دارند. اینان سابقاً در کالپوش و قسمتی از گرگان سکونت داشته اند که در شرق استرآباد بوده است. شاید بوسیله آقامحمدخان قاجار به علت شورش و یاغیگری به اینجا کوچ داده شده اند. خرابه های محل اقامت سابق ایشان را در دشت گرگان

در مسیر خود دیدیم. حصاری مربع شکل بزرگ داشت که نشان می‌داد باروی دهکده‌ای آباد و پرجمعیت بوده است.^۱

نارنج باغ

در نکا مرکز قره‌طغان بهشهر (اشرف‌البلاد)

استودارت در سفرنامه خود می‌نویسد:

«امروز به نکا به یکی از خانه‌های معمولی شاه رسیدیم. جاده از يك طرف این خانه می‌گذشت و سمت جنگل بود. در اینجا در حرم سلطان اقامت گزیدیم.^۲

در محل هرچه درباره این خانه تحقیق کردیم کمتر به نتیجه رسیدیم سرانجام آن را قابل تطبیق با نارنج باغ دانستیم. این باغ نارنج بر بالای تپه‌ای تاریخی احداث شده بود، بنای آجری عظیمی بر بالای آن بوده و تا سال ۱۳۴۹ محل سربازگیری منطقه بوده است. شامل زیرزمینهای عریض و طویل و اطاقهای متعدد. این تپه فعلاً در نکا در جنوب غربی ساختمان سیلو است. سطح بالای آن در حدود يك هکتار ونیم و سطح پایه آن در حدود سه هکتار است. در حدود بیست اصله درخت نارنج که ریشه کهنه و جوشهای تازه داشت با هفت اصله درخت سرو دست چپ جاده‌ای که سربالا به محل ساختمان می‌رفت باقی بود. آجرهای قالب کوچک و سفال فراوان لعاب‌دار متعلق به ادوار مختلف روی خاک پیداست.

رود پل پادشاهی

سرراه نکا مرکز قره‌طغان بهشهر

رضاقلی خان هدایت در سفرنامه خود می‌نویسد:

۱- سفرنامه فریزر ص ۳۱ . ۲- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین ج ۸ سال ۱۳۳۹ شمسی ص ۱۳۹ .

سرراه نکا از طرف ساری ابتدا از «رود پل پادشاهی» عبور کرده درگذشتیم و باردیگر وارد جنگل و خیابان گشتیم. بعضی از جاهای خیابان شکسته و از پهلوی آن معبر شده. بعضی معابر را درختان گرفته، چنانکه باید بر روی اسب خم شد و عبور کرد، فرسخی چند راه طی کردیم در نکا ماندیم^۳. در چند فرسخی نکا از هر کس درباره این پل پرسیدیم بی‌خبر بود ظاهراً باید مدتها پیش از میان رفته باشد.

چاپارخانه

سرراه نکا از دهکده‌های قره طغان بهشهر (اشرف)

میرزا زین العابدین شیروانی در شعبان سال ۱۳۱۵ ه. ق. شبی را در این چاپارخانه به روز آورده و یادای از آن کرده است.^۴ معلوم شد محل این چاپارخانه در زمین کارخانه آرد میرزا یانس افتاده است.

تخت رستم

در نکا از دهکده‌های قره طغان اشرف (بهشهر)

دمرگان در سال (۱۸۸۹ م = ۱۳۰۷ ه. ق) از خرابه‌هایی به نام «تخت رستم» بر سر راه ساری به اشرف، نزدیک نکا رود یاد کرده است.^۵ از این خرابه‌ها آثاری جز تخته سنگی باقی نیست که تا امروزه همین نام خوانده می‌شود و بر حاشیه جنوبی جاده اصلی در اراضی نکا است و درست بر سر دوراهی او مال و بریجان و قلعه سراس است.

معصوم زاده میرمفید

در دهکده نکا از دهکده‌های قره طغان اشرف

بنائی قدیمی است. بر سقف بنای اصلی سه فرسب بسیار قطور کشیده و بالای

۳- مسافرت رضا قلی خان به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۳ .
۴- طرائق الحقائق ج ۳ ص ۶۵۵ . ۵- هیأت علمی فرانسه در ایران تألیف دمرگان ص ۴۲۷ .

آنها را پلورکشی و پل کوبی کرده‌اند. سقف کفش کن يك فرسب قطور دارد و بالای آنها هم پلورکشی و پل کوبی است. مرقد صندوقی نداشت و کاشی کاری بود. دری دولنگه کنده کاری داشته که با چهارچوب آن به سرقت رفته است. ولی بالای این در خفنگگ نورگیر مشبک مربع آن باقی است و ظرافت کار آن می‌تواند ظرافت کنده کاری در آن نشان دهد.

دروزهائی که در ورودی این امامزاده به سرقت رفته بود، دریکی دوروزنامه که در تهران به چاپ می‌رسید، شرحی در باره این سرقت نوشته بودند و یکی از این روزنامه‌ها عکسی قدیمی که از آن در داشت به چاپ رسانید. دری دولنگه بوده است که بر تنگه بالای هر دولنگه ظاهراً کتیبه‌ای داشته و باقی بدنه در شامل شش طرح مکرر ستاره شش پر است که در اطراف آن شش ضلعی قرار داشته و کار آن قاب و گره بوده است. (عکس شماره ۳۶۶).

بقعه در دامنه کسوه است و اطراف آن گورستانی بسیار قدیمی است. در این گورستان ده اصله درختان آزاد قطور و چناری که سن سال است که محیط تنه آن ۳۶۰ سانتیمتر است.

قدیمی‌ترین سنگ قبری که در این گورستان یافته شد بدین شرح است:

تجردت من دارالدنيا الى دارالآخرة المتوقيت المرحوم الماضي

..... درویش علی یحیی ساکن کرد زمین

در بالای این سنگ:

فی تاریخ سنه سبع وثلثین وثمانمائه

تاریخ دوسنگ زیر نیز قابل نقل بود:

تاریخ وفات مرحوم غفران مکان کربلائی اسمعیل ولد ابوالحسن

در پنجم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۱۲.

قسمتی از سنگ زیر شکسته بود:

جعفر بن محمد تقی جردنلو کورد سنه ۱۲۱۹.

رایینو در سفرنامه خود کتیبه‌ای از امامزاده نکا آورده که ظاهراً باید مربوط به معصوم زاده میرمفید باشد. شرح آن از این قرار است:

من عرف نفسه فقد عرف ربه بشرمال البخيل ذالحارث اووارث
الا ينظر الى من قال وانظر الى ما قال الجزع عند البلاء تما لمن لمحتة هذه
الموضع من القرية المباركة موسومة بالنكاه لصاحب الممالك هذه القرية
المذكورة المرتضى المعظم والاكرم ميرسيد عبدالمحيط بن (الميرتوانائی)
اینکاد مفخر الفقراء والصلی زین المتورعین درویش سکندر ابن عزالدین
المعروف بابن الهدی عمل استاد حسین بن احمد الرازی غره محرم الحرام
سنه ستین وثمانمائه^۶

در تابستان ۱۳۶۴ شمسی که مشغول بررسی این ناحیه بودم از این کتیبه نشانی نیافتم، از اینرو از سفرنامه مازندران و استراباد رایینو با تمام اغلاطی که در آن است نقل کردم.

غار عظیمی

در سورك قره طغان اشرف (بهشهر)

درن در یاد داشتهای خود می‌نویسد:

طرف چپ ما دهکده سورك بود: در حدود صد یاردی جاده،
نزدیک آن غار عظیمی است که یکی از سرداران ایرانی برای پنهان کردن
خزائن خود کنده است. این غار مورد بازدید قرار گرفت و طبیعی به نظر
رسید و زیاد عظمتی نداشت.

برج تکارود

برجی بوده است در دهانه رودخانه نکا، که شاه عباس ساخته بوده و ظاهراً
برج نگهبانی بوده است.^۷ از این برج کوچکترین اثری باقی نیست.

۶- سفرنامه مازندران و استراباد رایینو ص ۲۴ و ۲۵ ع. ۷- هیأت علمی فرانسه
در ایران ص ۲۲۴.

سه برج ساحلی هشت ضلعی

پس از گذشتن از دهانه رود نکا که در نزدیکی نوزآباد به دریا می‌ریزد و از این دهانه تا فرح آباد، به خط مستقیم، تقریباً بیست و پنج کیلومتر است در این مسیر که مسیر غربی است، سه برج آجری هشت ضلعی، خان قاجار بنا کرده بوده است.^۸ از هیچکدام نشانی برجی نیست. از این برجهای که می‌گذشتیم برجی دیگر نزدیک دهانه تجن به سبک آنها ساخته بوده‌اند، از این برج نیز اثری برجای نیست.

پلی دوچشمه و پلی پنج چشمه

در سر راه زاغمرز به فرح آباد، بهرام علی کیله است که پلی دو دهانه داشته است. در جنوب آن اترب کیله است که پلی کوچک با پنج دهانه داشت.^۹ از این پلها نیز اثری برجای نیست.

برج گوهرباران

برجی است میان دهانه نکارود و شبه جزیره میانکاله که شاه عباس ساخته است^{۱۰} و ظاهراً برج نگهداری بوده. از این برج نیز آثاری برجای نیست.

پلی بر رودخانه نکا (= مهربان = مهروبان)

پلی دوچشمه بزرگ نکا بر رودخانه ایست که آب آن از تنگه شمشیر برمی‌آید و در چمن گوهرباران نزدیک نوزآباد به دریا می‌ریزد.^{۱۱}

این پل ظاهراً در مسیر راه شاه عباسی بوده است. معصوم علیشاه در شعبان ۱۳۱۵ هـ. ق. از روی این پل عبور کرده و از آن یاد کرده است.^{۱۲}

۸- سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران بوهلر ص ۷۷. ۹- سفرنامه مازندران و استراباد رابینو متن انگلیسی ص ۶۲. ۱۰- هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۲۲۳. ۱۱- سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۸۹. ۱۲- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۶.

ملگنوف می‌نویسد که این پل را فتحعلیشاه بنا کرده،^{۱۳} ظاهراً اشتباه کرده ممکن است نامبرده تعمیر و مرمت کرده باشد. در سفرنامه ناصرالدین شاه از این پل یاد شده و همو می‌نویسد که پل نکا را رضا قلی‌خان کلبادی مرمت کرده است.^{۱۴}

باقی بناها و آثار تاریخی نکا

۱- در تپه لاک تراشان آجرهای دوران ساسانی زیاد است برای رسیدن به لاک تراشان از خانه سر به طرف شمال باید رفت.

راهدار خانه

در تکتا از دهکده‌های قره طغان بهشهر

ملگنوف از این راهدارخانه یاد کرده است.^{۱۵} ظاهراً محل آن سردوراهی دهکده‌های اومال و قلعه سر بوده است. از این مسیر «بالاست» برای زیر ریلهای راه آهن می‌آورده‌اند و تا امروز ریلهای آهن باقی است. ظاهراً در سالهایی که راه آهن را می‌کشیده‌اند به خرابی آن دست زده‌اند.

پل آجری معروف به چاله پل

در میان رود قره طغان بهشهر

مؤلف سفرنامه استراباد می‌نویسد که از چاله پل روبه مغرب اول خاک میاندرود قره طغان است.^{۱۶}

۱۳- نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۰ الف. ۱۲- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از کتاب بهشهر ص ۱۷۶. ۱۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۷۹ الف. ۱۶- سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۸۹.

خانه‌ای قدیمی

در قرآته از دهکده‌های قره‌طغان بهشهر

مرحوم مهجوری می‌نویسد:

در قرآته نزدیک‌های بهشهر هزار نفر افغانی منزل دارند که از تبخید

شدگان نادر یا آقامحمدخان هستند.^{۱۷}

نام خود دهکده نشان می‌دهد که سابقاً تپه‌ای تاریخی و قدیمی در این محل بوده و افغانان بر سر آن خانه ساخته‌اند. امروز گیلکها نیز بر سر این تپه بنا و ساختمان دارند و دومسجد گیلک و افغان که در این دهکده هست دلالت بر این دارد که گیلکها نیز بعداً به ایشان پیوسته‌اند. بر بالاترین قسمت این تپه خانه‌ای قدیمی متعلق به دوران قاجاری است که فعلاً در ملکیت میرحیدر افغان نژاد است.

ملگنوف از کاروانسرائی بالای این تپه یاد می‌کند^{۱۸} ولی دلیلی به نظر نمی‌رسد که بالای این تپه کسی کاروانسرائی تجاری یا بارانداز ساخته باشد. و فعلاً هم آثاری از کاروانسرا برجای نیست.

ساختمان قدیمی خانه امیرحیدر دو طبقه است (عکس شماره ۳۶۷). برای رسیدن به طبقه بالا از چند پله‌ای که لبه‌های آنرا چوب چهار تراش قرار داده اند بالا می‌رویم. طبقه دوم شامل يك پاگرد و يك در اطاق است (عکس شماره ۳۶۸). میان قسمت پاگرد و اطاق اصلی سه ستون چهار سواست. و طرف شرقی آن دودراری و طرف شرقی اطاق اصلی نیز ۵ دراری با آلت کاری بسیار ظریف و شیشه‌های رنگین خوش نماست. طرف جنوبی و غربی اطاق اصلی پنج در است.

در شرق این ساختمان که ظاهراً تابستان نشین است دو ساختمان دیگر است که یکی از آنها بسیار بزرگ و جادار است (عکس شماره ۳۶۹). حمامی قدیمی که فعلاً دوگنبد آجری آن باقی است در مقابل ساختمان بزرگ است.

۱۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۲۵. ۱۸- نسخه عکسی ملگنوف ص ۱۵۹ الف.

چارامام و پل آجری نزدیک آن

پس از گذشتن از زاغمرز به زینوند و امیرآباد می‌رسد و از رودخانه کفترخان با پلی آجری می‌گذرد (امروز اثری از این پل نیست). پس از گذشتن از رودخانه دیگری به رودخانه چارامام می‌رسیم. در فاصله کمی نزدیک پلی که روی این رودخانه است (امروز اثری از آن نیست) مرقد چارامام است. بنائی مربع شکل با بسامی کاشی کاری است که کفش کنی دارد.^{۱۹}

از این بنای مربع شکل با بام کاشی کاری آن امروز کوچکترین اثری نیست. بنائی نوساز از سیمان است که دو قبر در آن است و اطراف آن هم گورستانی قدیمی بوده و صاحبان زمین‌های زرعی پیش آمده و اراضی گورستان را شخم زده و جزء زمینهای خویش کرده‌اند.

می‌توان نام این امامزاده یعنی چارامام را با چارامام و چهارماد یکی دانست. سابقاً این محل شارمان یا شارمام خوانده می‌شده و جائی است که و لاش، باورا کشته است.^{۲۰}

معصوم علیشاه از قلعه چارامام یاد کرده و می‌نویسد که دو فرسخ است تا میانکاله.^{۲۱} این یادآوری در شعبان ۱۳۱۵ ه. ق. بوده است.

آباد انبهای لطف‌الله میرزا والی مازندران

در زاغمرز

محمدحسنخان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۲ دستور داد تا لطف‌الله میرزا - والی - مازندران - به تأسیس واحداث قلعه ناصرآباد و حفر خندق آن و خندق

۱۹- سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو متن انگلیسی ص ۶۱.

۲۰- سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو متن انگلیسی ص ۱۶۰.

۲۱- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۵۶.

فرح آباد ونهر زاغمرز وتجديد خندق حسين آباد پردازد^{۲۲}.

مرقد اشترويخ^{۲۳}

در امامزاده شترگردن نزديك نكا

اشترويخ مهندس هلندی است که در زمان شاه عباس اول جاده سراسری مازندران را طرح انداخته است. اودر مازندران بمرد ودر امامزاده شترگردن میانراه نكا به ساری به خاك سپرده شد.

دامنه جنوبی تپه نزديك «شوره کيله» را امامزاده شترگردن می گفته اند فعلا سنگ بزرگی که در این محل است به نام «شترگردن» خوانده می شود اثری از گور این مرد و امامزاده باقی نیست. چشمه شوره کيله هم که تا یکی دو سال قبل آبی داشت فعلا خشک شده است.

امامزاده زکریا

در نكا مرکز قره طغان اشرف (به شهر)

از نكا در جاده طرح رومانی در حدود بیست کیلومتر که رفتم به امامزاده زکریا می رسیدم. بازدید محلی نشد آثار تاریخی قابل ذکر ندارد.

آستانه چالمردی

نزديك کوسرکنده از دهکده های نكا مرکز قره طغان

از نكا به اوپل و کوسرکنده و چالمردی می توان رفت. از راه جامخانه نیز به چالمردی راه هست یعنی از جامخانه به پله کوه و کوسرکنده و چالمردی می رسد. در کوسرکنده گورستانی قدیمی است ولی آستانه چالمردی آثار تاریخی نداشت.

۲۲- المآثر والآثار ص ۶۶. ۲۳- بفتح الف وسكون شين وضم تاء وراء.

باقی بناها و آثار تاریخی قره طغان و پنجهزار به شهر

۱- امامزاده حسن در دهکده تسروجن پنج کیلومتری غرب به شهر کنار جاده اسفالت گران.

۲- امامزاده قاسم در دهکده تسروجن.

۳- امامزادگان فضل و فاضل و عباس در روی تپه نزديك حسینیه زیروان. (به شهر ص ۲۲۸).

۵- امامزاده شاهرضا در يك کیلومتری شمال غربی زیروان. (به شهر ص ۲۲۸)

۵- امامزاده عبدالله در شمال دهکده زیروان. (به شهر ص ۲۲۸)

۶- امامزاده مؤمن در شمال دهکده زیروان. (به شهر ص ۲۲۸)

۷- امامزاده زکریا در نكا که از جاده طرح رومانی در حدود بیست کیلومتر می رود و به این محل می رسد. خرابی راه مانع دیدن این امامزاده شد.

تپه های تاریخی قره طغان و حدود زاغمرز

۱- تپه مورندین نزديك دهکده والاشت از دهکده های قره طغان. رابینو این دهکده را جزء ساری دانسته است^{۲۴}.

۲- تپه ای تاریخی که زبارتگاهی بر آن است دوزیروان.

۳- تپه تسروجن پنج کیلومتری غرب به شهر کنار جاده اصلی گران.

۴- شال تپه (= شغال تپه) در شمال قراتپه سرراه زاغمرز به فرح آباد. (رابینو متن انگلیسی ص ۶۲).

۵- تپه های سرخ دیم و امام تقی، پس از گذشتن از زاغمرز به انارمرزچول و لله مرزچول و سیاه پشته چول و زولان کوتی چول و موزک چول بسمت جنوب در میان راه زاغمرز به فرح آباد دو تپه دیده می شود یکی را سرخ دیم و دیگری را امام تقی

۲۴- سفرنامه مازندران و آستارباد متن انگلیسی ص ۱۲۲.

می خوانند.^{۲۵}

۶- بادبان تپه در مرتع سرخ دیم زاغمرز.^{۲۶}

۷- سنگ تپه در مرتع سرخ دیم زاغمرز.^{۲۷}

چناری کهنسال

در دهکده اسکار دین

چنانکه سابقاً یاد آور شد ایم کلمه « دین » در این صفحات به معنی « تپه » است و نام این دهکده باید از نام تپه‌ای گرفته شده باشد که روزی در اراضی آن بوده است. از این تپه امروز اثری برجای نیست. ولی چنار کهنسال آن که محیط تنه آن ۷۷۰ سانتیمتر است دلیلی بر قدمت این آبادی تواند بود.

کیا بو الحسن

بر بالای تپه‌ای مسلط بر دهکده‌های اومال و بر بجان

بر بالای تپه‌ای که ظاهراً دستی است و بازمانده بناهای قدیمی به نظر می‌رسد بنائی ساده سفالپوش است که در گورستان قدیمی اطراف آن درختان آزاد کهنسال است. راه قلعه سر و دنباله آن از راههای زیبای مازندران است.

امامزاده عبدالله

در انرب قره طغان به شهرش کیلومتری شمال تکا

بنائی است هشت ضلعی از آجر و مسجدی متصل به در ورودی شرقی در هر ضلع بنای اصلی طاقنمای کم عمقی است و بالای طاقنماها کمر بندی از آجر که کمی پیش آمده دور بنا می‌چرخد و بالای آن در هر ضلع هشت قرنيس سينه کفتری است که بالای آنها به ابتدای گنبد رک آن منتهی می‌شود.

داخل بنای اصلی صندوقی چوبین به درازای ۲۴۸ و پهناي ۱۰۴ و بلندی ۱۱۲

۲۵- سفرنامه مازندران و استراباد را بینو متن انگلیسی ص ۶۱. ۲۶ و ۲۷- سفرنامه مازندران و استراباد را بینو متن انگلیسی ص ۱۶۰.

سانتیمتر مرقد را پوشانده است. کار صندوق آلت کاری است و تخته‌های نازک در میان آلتها به کار رفته است و طرح گل و بوته‌های آن هندسی است. تخته‌ها بارنگهای مختلف لاکي، رنگ آمیزی شده است.

در ورودی شرقی امامزاده ۲۰۲ سانتیمتر بلندی و هر لنگه آن ۵۹ سانتیمتر پهنا دارد. دری باکنده کاری ظریف و خطی بسیار خوش است. (عکس شماره ۳۷۱) دماغه آن نیزکنده کاری دارد. این آیات و عبارات بر آن خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

لا اله الا هو الحی - تا - لا تأخذه سنة

بر بائوی سمت چپ لنگه راست از بالا به پایین:

ولا نوم له ما فی السموات - تا - لا یؤده حفظهما

بر پاسار پایین لنگه راست که وارونه کنده کاری شده است :

وهو السميع عليم - تا - لا اکراه فی

بر بائوی سمت راست لنگه راست از پایین به بالا :

الدين قد تبين - تا - یخرجهم من الظلمات الی

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

النور والذین - تا - اولیاؤهم الطاغوت

بر بائوی سمت چپ لنگه چپ :

یخرجهم من النور الی - تا - قال انا احی

بر پاسار پایین لنگه چپ وارونه :

وامیت قال - تا - یأتی بالشمس

بر بائوی سمت راست لنگه چپ :

من المشرق فأت بها - تا - ماته عام فانظر

بر پاسار دوم بالائی لنگه سمت راست :

اللهم صل علی محمد

بر پاسار دوم بالائی لنگه سمت چپ:

احمد حامد محمود

بر تنگه بالای لنگه راست و چپ عباراتی با اسلیمی بسیار ظریف کنده کاری شده است که هیچکدام خوانده نشد.

بر پاسار دوم لنگه راست از پایین:

قاسم سراج ترسول

بر پاسار دومی پائینی لنگه سمت چپ:

آل محمد و سلم علیه

بر تنگه پایین لنگه سمت راست:

عمل شمس الدین بن استاد احمد

بر تنگه پایین لنگه سمت چپ:

سنه ثلث وستین و ثمانمائنه

بالای این درخفتنگ نورگیر مربع مشبك ظریفی است. (عکس شماره ۳۷۲)

در شمالی بقعه به بلندی ۱۷۵ و پهنای ۵۹ سانتیمتر کنده کاری ظریف دارد ولی فرسوده شده است.

در ورودی مسجد به بلندی ۱۸۴ و پهنای هر لنگه ۵۸ سانتیمتر است. قدمتی ندارد و کنده کاری دارد.

بر بالای لنگه راست:

لا اله الا الله محمد رسول الله

و بالای لنگه چپ:

علی ولی الله

با خط ناخوش حك شده است. بالای این در نیز پنجره نورگیر مشبك ظریف دارد. در پیشانی بنای مسجد دو سنگ قهوه‌ای رنگ مستطیل پهلوی یکدیگر نصب شده است. خطی که بر آنها نقر بود ازدور قدیمی می‌نمود و بر آن القابی بود که مختص

معماران و بنایان است و در آخر سنگ دوم تاریخی دیده می‌شد که از دور دست خوانده نشد.

اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که اخیراً با آجر و نرده آهنین محصور کرده بودند. پنج اصله درختان چنار بسیار کهنسال در این گورستان است که محیط تنه دواصله آنها از یک متری زمین ۹۶۰ و ۱۰۳۰ سانتیمتر است.

برای رسیدن به اترب از توس کلا و شابندین (اخیراً: شهاب‌الدین) و بهزاد کلا باید گذشت.

مرحوم طاهری شهاب درباره این امامزاده می‌نویسد:

اترب در شش کیلومتری شمال قصبه نکا است. در شمال این

دهکده بقعه‌ای به نام امامزاده عبدالله است.

در ورودی بقعه شرقی است. این در دو لنگه از کارهای ظریف

کنده کاری است. بر حاشیه لنگه‌ها با خط نسخ بسیار استادانه آیاتی از

کلام الله مجید است. پایین لنگه سمت چپ تاریخ ساختن در، در ثلث

وستین و ثمانمائنه خوانده می‌شود و بر لنگه سمت راست طرف پایین عمل

شمس الدین بن محمد^{۲۸} حك است. صندوق بقعه چوبین و بسیار هنرمندانه

کنده کاری شده^{۲۹}، اما کتیبه‌ای بر آن نیست. بر بالای سردر مسجد متصل

به این بقعه قطعه شعری است.^{۳۰}

علی بابا عسکری می‌نویسد:

شعری که بالای مسجد است، از قول اهالی، نام بانی مسجد است

که از مردم دهکده مورین دین بوده است.^{۳۱}

۲۸- شمس الدین بن استاد احمد است. ۲۹- کنده کاری نیست قاب و آلت یا آلت

کاری است. ۳۰- گنجینه‌های تاریخی مازندران ص ۱۲ و ۱۳. ۳۱- بهشهر

ص ۲۲۷ در این صفحه نام این امامزاده با شرحی آمده است.

منزل سردار جلیل
در دهکده اترپ قره طغان بهشهر

با شرحی که از زبانهای اشخاص مختلف درباره عظمت بنا و گنجبریهایی ظریف آن و پنجره‌های ارسی متعدد با شیشه‌های رنگین شنیده بودم باشوقی فراوان به دیدن آن رفتم. از باغ بزرگ با درختان گوناگون و ساختمان اثری جز دیواری خشتی به بلندی دومترو درازای ۹ متر در ضلع شمالی کوچکترین اثری باقی نمانده بود خانه‌های متعدد روستائی در میان باغ ساخته بودند و درختان را ریشه کن کرده و خانه‌ها را خراب کرده بودند. فاعتبروا یا اولی الابصار.

رستمکلا

رستمکلا از دهکده‌های قره طغان اشرف (بهشهر) است که در جنوب جاده اصلی ساری به گرگان میان نکسا و کوسان (کوهستان) بنا شده است. دوسالی است کنار جاده اصلی گرگان ساختمانهای جدیدی ساخته‌اند. این دهکده سه محله به نامهای: سید محله، زاتی محله و اسبومحله دارد و رویهمرفته‌ای دهکده‌ای بسیار آباد و مردمی کوشا دارد. سامان غربی آن نهر خشک شورش کلت (بضم کاف و کسر لام) و سامان شرقی آن نهر خشک شورش گرجی محله و سامان جنوبی آن جنگل و سامان شمالی آن زمینهای زراعتی قرا تپه و حسین آباد است.

گدار تپه

از تپه‌های تاریخی رستمکلا از دهکده‌های قره طغان اشرف

این تپه که ظاهراً جاده اصلی از روی يك پال آن می گذشته است به نام «گدار تپه» خوانده می شده است^{۳۲}. در حین حفاری در این تپه هاو نی سنگی به دست آمد که باهاو نهایی یافت شده در شاه تپه استر آباد و تپه حصار دامغان همانند همزمان است.

۳۲- این تپه را مرحوم برهانی به نام «گوهر تپه» خوانده است. منظور از این نامگذاری این بوده است که در این تپه گوهر و جواهر فراوان است.

که این خود دلیل قدمت و ارتباط این سه نقطه با هم است. در مخزن مربوط به رستمکلا در موزه ایران باستان، اشیاء دیگری نیز دیده می شود از آنهاست:

- ۱- خنجر و کاردهای برنزی ۴ قبضه . ۲- پولک فلزی يك عدد . ۳- تبر فلزی دوسریك قبضه . ۴- کوزه‌های گلی چهار عدد . ۵- ظرفهای گلی شبیه آبخوری ۲ عدد . ۶- ظرفی پایه دار گلی شبیه میوه خوری يك عدد .^{۳۳}
- گدار تپه از بزرگترین تپه‌های نواحی مازندران است که در حدود سی هکتار اراضی را اشغال کرده است و پاره‌ای جاها سی متر بلندی دارد.

امامزاده زین العابدین

میان مزرعه شیرکمرین و پلنگک باغ رستمکلا

چندیست نام این امامزاده را عوض کرده و امروز (مهرماه ۱۳۶۳) امامزاده محمد می خوانند. برجی است استوانه‌ای از آجر که گنبدی مخروطی بر آن زده‌اند (عکس شماره ۳۷۳). در ورودی مسجد متصل به بنای اصلی و در ورودی امامزاده کنده - کاریست ولی بسیار خام و ناشیانه، بلندی هرلنگه در ورودی مسجد ۱۷۴ و پهنای آن ۴۰ سانتیمتر است. بر حاشیه داخلی چهارچوب از طرف مسجد بسمله و آیه الکرسی تا هو العزیز الحکیم با خطی ناخوش حک شده است.

بلندی در ورودی امامزاده ۱۸۳ و پهنای آن ۴۱ سانتیمتر است. بر چهارچوب از طرف داخل امامزاده مانند چهارچوب در مسجد بسمله و آیه الکرسی است. بر تنگه بالای هر دو لنگه هر دو در صلوات بر محمد و آل او و در آخر «یا علی مدد» حک شده است. بر تنگه بالای در امامزاده در لنگه چپ تاریخ ۱۲۸۰ خوانده می شود که ظاهراً قمری است.

صندوق مرقد امامزاده تخته و آلت است درازای آن ۲۳۳ و پهنای ۱۳۵ و بلندی

۱۲۵ سانتیمتر است.

۳۳- بهشهر (اشرف البلاد) ص ۱۰۸.

مؤلف سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. می نویسد :
 امامزاده‌ای در دهکده رستمکلا از دهکده‌های پنجهزار دست‌چپ
 راه قدیم است.^{۳۴}
 احتمال می‌رود منظور نویسنده همین امامزاده بوده است چون در اراضی
 رستمکلا امامزاده دیگری نیافتم.
 علی بابا عسکری درباره این امامزاده می‌نویسد :
 گنبدی کلاه درویشی با کتیبه‌ای بر در ورودی دارد.^{۳۵}

حسینیه شیخ محمد تقی فرجی

در رستمکلا از دهکده‌های قراطنان به شهر

حسینیه شامل سه اطاق مجزا است که با دو ردیف ارسی تخته‌ای از هم جدا
 می‌شوند. ابعاد اطاق وسط ۴×۷ و ابعاد اطاق جنوبی ۴×۶ و ابعاد اطاق شمالی
 $۴/۵ \times ۳/۵$ متر است.

اطاق وسط روبه مغرب دارای سه در با آلت‌های ظریف و شیشه‌های رنگین
 و بالای این سه در چهار نورگیر مربع با آلت‌های ظریف و شیشه‌های رنگین است.
 (عکس شماره ۳۷۴) در اطاق جنوبی دو در ساده در غرب و سه در در جنوب است.
 در مشرق این اطاق یک در است که پنجره‌ای نورگیر چهار گوشه بالای آن است
 و دو ارسی که تمام دارای آلت‌های ظریف و شیشه‌های رنگین است.

در اطاق شمالی یک در با پنجره نورگیر مربع و دو ارسی است که تمام آلت‌های
 ظریف و شیشه‌های رنگین دارد. مابقی درها ساده است.

حسینیه آقا شیخ علی

در رستمکلا

این حسینیه شامل پنج قسمت است. اطاقی وسط به ابعاد $۱۰ \times ۴/۵$ متر دو

۳۴- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۸۹ . ۳۵- به شهر ص ۲۲۸ .

اطاق شرقی به ابعاد ۳×۳ و ۴×۴ متر و دو اطاق غربی به ابعاد ۴×۳ و ۳×۳ متر.
 دو اطاق شرقی و دو اطاق غربی با دو ردیف ارسی از اطاق میانی جدا می‌شوند
 که هر ردیف آن سه دهانه است میان دو اطاق شرقی نیز سه دهانه ارسی و میان دو
 اطاق غربی نیز سه دهانه ارسی با آلت‌های ظریف و شیشه‌های رنگین است (عکس
 شماره ۳۷۵). شمال اطاق وسط نیز ارسیهای ظریف با شیشه‌های رنگین است و
 طرف جنوبی آن سه پنجره با شیشه‌های رنگین زیباست.

برقابی شیشه‌دار که بر دیوار حسینیه بود عبارات زیر خوانده می‌شد:

قدمت هذا الحسينيه آقاى آقا شيخ على بتاريخ فيسنة ۱۲۹۵ اقل

يعقوب على.

در اطاقهای هر دو حسینیه طاقچه و بالارف بود و زیر بالارفا مقرن‌های ظریف
 با گچ ساخته بودند.

مسجد ۳۳ دسته

در رستمکلا

فضای مسجد بسیار کوچک و محدود و اطاقهایی از تخته داشت. منار آجری
 آن قابل ذکر است. (عکس شماره ۳۷۶)

درخت سرو عظیمی

در اراضی رستمکلا

مؤلف کتاب به شهر می‌نویسد که این درخت بسیار کهنسال بود و محیط تنه آن
 به چهار متر می‌رسید.^{۳۶} تاحال سروی به این قطوری دیده نشده است. سروی کهنسال
 روبروی امامزاده زین العابدین = امامزاده محمد رستمکلا بود که در دوران انقلاب
 آن را بریدند و از میان بردند.

۳۶- به شهر ص ۲۲۸ .

باقی بناها و آثار تاریخی رستمکلا

- ۱- پنج برار در جنگل کهنه حسن رستمکلا .
- ۲- دختر قلعه بر کوهی نزدیک رستمکلا که آب انبار و آثار خانه‌های خراب آن باقی است .
- ۳- سوردار تکیه یا تکیه سلطانی که تکیه بزرگی است و قسمتی از آن نوسازتر است و از دو تکیه سابق الذکر رستمکلا بزرگتر است .

بناها و آثار تاریخی کوسان (= کوهستان)

طوسان را طوس نوزد- سپه سالار شاه کیخسرو- در پنجاه هزار ساخت. ابتدا این محل را طوسان و سپس کوسان خواندند.^{۳۷} و امروز چون وجه تسمیه آن را ندانسته‌اند «کوهستان» می‌خوانند .

لومن دون

جزء اول این نام مرکب دانسته نشد. جزء دوم آن یعنی «دون» شکل دیگری از «دوین» و «دین» است که به معنی «تپه» است .
لومن دون نام توده قصر مشید و مقر منبئی است که طوس در کوسان (کوهستان) ساخته است . کوسان در پنجاه هزار است .^{۳۸}
ظاهرآ میرظهیرالدین که تاریخ طبرستان و رویان و مازندران خود را در سال ۸۸۱ هـ. ق. نوشته است ، این مطالب را از تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار که در سال ۶۰۶ هـ. ق. تألیف شده گرفته است و بازمانده این قصر مربوط به دوران حسن بن اسفندیار است نه خود میرظهیرالدین .

۳۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ذیل فصل «ابتدای عمارت ساری و کیفیت آن .

۳۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۰ .

آتشکده کوسان

انار آبدرة کوسان

محمد حسنخان اعتماد السلطنه به نقل از تاریخ ملاشیخعلی گیلانی، محل این آتشکده را نزدیک اشرف دانسته^{۳۹}، اما در متن تاریخ گیلان ملاشیخعلی چنین مطلبی نیامده است.

علی بابا عسکری می‌نویسد که هنوز آثار آن باقی است.^{۴۰}
در محل معروف است که از سردابه میر کمال‌الدین و میرشمس‌الدین راهی زیر زمینی به آتشکده بوده است و هنوز این گذرگاه برقرار است.

آنچه از آتشکده کوسان برجای است

در مغرب مرقد سادات بابلکانی کوهی به نام «آتش پرست» است در دامن این کوه چهارپنچ هزار زمین زراعی است که بر آن درختان انار کاشته و زراعت می‌کنند. در غرب این اراضی دره باریکی است که اراضی را از دامنه‌های غربی جدا می‌کند. چندین سنگ مکعب در این اراضی است. در جنوب آتشکده دو درخت زیتون کهنسال بود که اهالی ریشه کن کرده‌اند. سه تپه منفرد که ظاهرآ باقیمانده بناهای قدیمی بود نیز به جای بود. بر بالای دو تپه یکی دو قبر بود که نشان می‌داد این دو تپه مدتی گورستان بوده است. آثار این تپه‌ها که فعلاً بر آنها زراعت می‌شود باقی است. در فاصله شش هفت کیلومتر جنوب این اراضی قلعه‌ای قدیمی است که درختان جنگلی آن را پوشانده است. هنگام شیار اراضی آتشکده دو سه آجر قالب بزرگ دوران ساسانی پیدا شده است.

۳۹- التدوین فی احوال جبال شروین ۴۰- بهشهر ص ۱۲۵ .

دختر قلعه

در جنگل جنوبی کوسان (کوهستان)

فاصله این قلعه تا دهکده کوسان شش کیلومتر است. این قلعه بر بالای تپه‌ای منفرد است که اراضی بالای آن به دوهزار متر می‌رسد، در شرق این تپه دره ایست که چشمه آبی به نام «سرچشمه» وجود دارد در جنوب این تپه نیز دره ایست ولی در شمال آن تپه و ماهور است بیشتر این اراضی را درختان جنگلی پوشانده است. دو آب-انبار در حدود پنج متر درازا و پهنا و عمق چهار متر که دیواره آنها ساروج کاری است باقی است. دیوارهای ساختمان قلعه از سنگ و آجر است که آثار آن کمابیش باقی است.

قلعه‌ای قدیمی

در جنگل کهنه حسن کوسان

در جنوب غربی دختر قلعه، قلعه‌ای قدیمی به نام «کهنه حسن» است بنای قلعه بر کوهی منفرد است که سامان آسیابسر و گرجی محله است این قلعه مشرف به رودخانه مهربان (= مهروبان) است از بنای قلعه سنگچین هائی برجای است و اراضی بالای آن در حدود دو هزار متر است.

مرقد دو تن از سادات بابلکان

در کوهستان ۴۱ = کوسان از دهکده‌های قراطغان اشرف

بنائی است چهار گوشه از آجر که گنبد رگ آن فروریخته و گنبد داخلی عرقچینی آن باقی است (عکس شماره ۳۷۷). داخل آن دو سنگ مرمر زرد که دارای پایه‌ای به بلندی ده سانتیمتر هستند با فاصله‌ای کم کنار یکدیگر بر روی فضائی خالی که ظاهراً سرداب صاحبان سنگ است قرار گرفته‌اند. درازای این دو سنگ شرقی غربی است.

۴۱- کوهستان ده از دهستان قره طغان بخش بهشهر شهرستان ساری هفت کیلومتری غرب بهشهر یک کیلومتری جنوب جاده بهشهر به ساری (فرهنگ جغرافیائی ایران).

بنا بر این يك سنگ در شمال و يك سنگ در جنوب می‌افتد.

درازای سنگ شمالی ۲۱۳ و پهنای آن ۶۵ و بلندی آن ۵۱ و بلندی پایه آن ۹ سانتیمتر است. مطالبی که بر این سنگ خوانده شد:

بر رویه سنگ و در درازای آن در دو ردیف با خط ثلث جلی صلوات کبیر از غرب به شرق به این شرح حک شده است:

اللهم صل على المصطفى والمرضى وفاطمة الزهرا وحسن الرضا
وحسين شهيد بكر بلا و امام على زين العابدين و امام محمد باقر و امام
جعفر صادق

ردیف دوم از شرق به غرب:

و امام موسى الكاظم و امام على بن موسى الرضا و امام محمد الثقی
و امام على الثقی و امام حسن العسکری و امام محمد المهدی صاحب الزمان
صلوات الله علیه و علیهم اجمعین

بر کله غربی سنگ شمالی:

نزلنا ههنا ثم ارتحلنا کذا السدینا زوال و ارتحال ارتحل بما قبل کل
من علیها فان فاحه [کذا] الى المكان الامیر الاعظم سید رضی الدین بن

بر کله شرقی سنگ شمالی:

بن الامیر سید کمال الدین بن سید شمس الدین [خوانده نشد]
بابلکان الحسینی فی شهر جمادی الاول سنه خمس و ثمانمائه.

بر کمر سنگ بریدنه شمالی و جنوبی آیه الکرسی با خط ثلث جلی بسیار
خوش به این ترتیب حک شده است:

بریدنه شمالی

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لاتأخذه
سنه ولا نوم له مافی السموات و مافی الارض

بر بدنه جنوبی دنباله آیه الکرسی آمده ولی بعلت نزدیک بسودن دو سنگ خوانده نشد اما در آخر سطر هو العلی العظیم خوانده می شود ولی به نظر نمی رسد که تمام آیات دنباله در این بدنه گنجیده شده باشد.

سنگ جنوبی

در ازای سنگ جنوبی ۲۱۷ و پهنای آن ۶۸ و بلندی آن ۵۲ و بلندی پایه آن ۱۰ سانتیمتر است.
بر کله غربی سنگ جنوبی:

انتقل من دارالدنیا الی دار الحسنت [خوانده نشد] بالمغفره
[خوانده نشد] المعظم المغفور الامیر سید شمس الدین
بر کله شرقی سنگ جنوبی:

بن الامیر سیدعلی بابلکان فی [خوانده نشد] ثمانمائه الهجرية
النبویه عمل استاد عبدالغنی
چهار حاشیه رویه سنگ جنوبی آیه الکرسی
بسم الله الرحیم الله لاله - تا هو العزیز الحکیم بر رویه سنگ طرف غربی با
خط کوفی معقلی:

الله محمد علی فاطمه حسن حسین [دونام دیگر که خوانده نشد]
علی بابا عسکری درباره این بقعه می نویسد:

شعبه ای از سادات مرعشی به نام بابلکانی در پنجهزاره حکومت داشتند. سید ظهیرالدین می نویسد که مرکز ایشان در کوسان بود. از افراد سرشناس این خاندان میرشمس الدین است که به دست علی روز افزون در سال ۸۶۵ کشته شد و دیگر عمومی او به نام میرکمال الدین که در کوسان

فوت شد. مرقد ایشان تا امروز برجای است.^{۲۲}

در روزنامه کیهان مورخ یکشنبه سی خردادماه ۱۳۵۰ شماره ۸۳۷۶ می نویسد:
سکه های سرقت شده از مقبره میرکمال الدین در بهشهر مربوط به ۱۲۰۳ سال قبل است.

سارقین خوش ذوق بهشهر پس از زدن يك نقب در مقبره میرکمال و میرجمال الدین، سکه های مربوط به دوران ۱۲۰۱ سال قبل را کشف کردند و به سرقت بردند. سکه های مکشوفه از میان خاکهای اطراف نقب نشان می دهد که مربوط به سال ۱۹۰ هجری و دوره اسلام است که در مازندران ضرب شده است. بعضی از سکه ها نقره و به وزن چهارمقال است. گفته می شود دزدان با شناسائی اطاقک زیر قبور چندین خمره از این سکه ها را به سرقت برده اند. سکه های مکشوفه هنگام سرقت در محل نقب ریخته شده بود و بوسیله کودکان قریه کوهستان شش کیلومتری بهشهر جمع آوری شده و بدست مأموران افتاد. (عکس شماره ۳۷۸)

گورستانی قدیمی

در جنگلهای کوسان گورستانهای قدیمی دیده می شود از آنها می توان گورستان بازارسر و گورستان، نرگیسی را نام برد.

غار گنه هوتو

در شرق کوسان در سامان دهکده های کوسان و تروجن

دهنه این غار تنگ و بلندی آن از سطح زمین در حدود سی متر است. داخل غار سه اطاق تو در تو است. اطاق میانین بزرگتر است. ناومانندی از اطاق آخر به دهنه غار ساخته شده است که ظاهراً آب اضافی غار را بیرون می برده است.

غار کمر بند

در پایان قرن اخیر ژاک دمرگان آثاری از دوران پیش از تاریخ مازندران در نقاط مختلف آن استان کشف کرد. مهمترین این نقاط در بستر رودخانه «آب پردمه» و دره لار نزدیک محمدآباد است. ولی فقط این اواخر چند نقطه که حاوی آثار پیش از تاریخ است، تحت مطالعه دقیق قرار گرفته است.

در سالهای ۱۹۴۹-۱۹۵۱ (۱۳۶۹ و ۱۳۷۱ قمری) کارلتون کون^{۴۳} از دانشگاه فیلادلفیا چند غار واقع در مازندران را بازدید نمود: غار علی تپه، غار کمر بند، نزدیک به شهر و غار هوتو نزدیک تریجان (تروجن) و غار رستم قلعه و غار کله ره^{۴۴} نزدیک رستم قلعه و تحقیقاتی درباره وضع دوران پیش از تاریخ در این نواحی به عمل آورد. نامبرده دو غار از غارهای مذکور در بالا را برای مطالعه دقیقتر انتخاب کرد یکی غار کمر بند و دیگر غار هوتو.

در کاوشهای سال ۱۹۴۹ در غار کمر بند شش طبقه تشخیص داده شد که روی هم قرار داشت. مجموع این شش طبقه به ۲۸ قشر ۲۰ سانتیمتری تقسیم شد. این طبقات از نظر تاریخ میان دورانه‌های مزولیتیک^{۴۵} و نئولیتیک^{۴۶} (آخرین دوران عصر سنگ) واقع شده بود.

- ۱- طبقه بالا شامل آثار دوران نئولیتیک (دوران سنگ جدید) یا عصر حاضر بود.
- ۲- طبقه زیرین شامل سفالهای دوران نئولیتیک قدیم بود.
- ۳- طبقه سوم هیچ شباهت به طبقه دوم از حیث آثار باستانی نداشت و در آن اثری از سفال بدست نیامد و نیز نشانه‌ای از کارهای زراعتی در آن دیده نمی‌شد. این دوره در عصر نئولیتیک پیش از سفال قرار دارد.
- ۴- طبقه چهار شامل آثار دوران پالئولیتیک^{۴۷} جدید یا دوران مزولیتیک بود.

43- Carlton S. Coon.

44- Kallahra.

45- Mesolithique.

46- Neolithique

47- Paleolithique.

(مثلاً چاقوهای کوچک از سنگ چخماق سیاه). ضمناً استخوانهایی شبیه به استخوان های آموهای پیش از تاریخ معروف به La Gasella Subgutterosa در آن طبقه دیده می‌شد.

۵- در این طبقه اشیائی شبیه به اشیاء طبقه چهارم پیداشد. بعلاوه در آن تیغه های از سنگ چخماق و قطعاتی از استخوان سنگ دریائی نیز دیده شد.

۶- طبقه آخر شامل خاک رس و شن و ماسه بود که در روی قشرهای آب زیر زمینی قرار داشت.

کاوشهایی که در سال ۱۹۵۱ در این ناحیه به عمل آمد نتایج پیدایشهای سال ۱۹۴۹ را تأیید کرد. آزمایشهایی که باروش «کاربن ۱۴» به عمل آمد نشان داد که طبقات نئولیتیک یا سنگ جدید غار هوتو متعلق به حدود شش هزار سال پیش از میلاد بوده است و آثار طبقات مزولیتیک در آن ناحیه میان شش هزار و هشت هزار سال پیش از میلاد واقع شده است. باقیمانده های استخوانهایی نیز به دست آمد که یکی از آنها یک جمجمه دختر دوازده ساله از نوع انسان Neanderthal بود. نمونه های از غلات و یک چنگال از جنس شاخ حیوان که از عهد نئولیتیک قدیم بود در این طبقه دیده شد.

کارلتون کون پس از اینکه تحقیقات متخصصان مختلف را دقیقاً بازرسی کرد به این نتیجه رسید که در دوره مزولیتیک جدید ساکنان غار کمر بند زندگی خود را با شکار خصوصاً با شکار آهو، بز کوهی و گوسفند و بز وحشی می گذرانیده اند. این دو حیوان اخیراً در همان زمان تدریجاً اهلی کرده اند و به خدمت خود در آورده اند.

در دوره نئولیتیک قدیم ساکنان غار مزبور اوقات خود را مصروف تربیت حیوانات اهلی می کردند و گله های بز و گوسفند خود را به چراگاه می بردند. در دوران نئولیتیک جدید غارنشینان مزبور به کار زراعت پرداختند. در همان زمان نیز مردم نامبرده با هنر پارچه بافی و کوزه گری آشنائی پیدا کرده اند. از آن پس پشم و شیر بز مورد استفاده آنها قرار گرفت. کمی بعد خوک و بز کوهی نیز اهلی شد. بنابراین

زراعت و اهلی شدن حیوانات را در این ناحیه می‌توان در آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد قرارداد .

غار هوتو

نزدیک تروجن قره‌طغان اشرف (بهشهر)

در سال ۱۹۵۱ در غار هوتو کاوش‌هایی به عمل آمد. ابتدا گودالی به عرض سه متر و طول پنج متر و عمق ۷۲۵ سانتیمتر کنده شد. از عمیق‌ترین نقطه این گودال به سنگ ریزه‌های عهد یخچالها برخوردند. این گودال را «گودال ۸» نامیدند و در آن تعداد زیادی طبقات از عهد «آهن» تا دوران «نئولیتیک» دیده شد و در قسمت پایین آن آثار دوران «پالئولیتیک» نیز به چشم خورد.

برای تحقیق بیشتر کاوش‌کنندگان گودالی فرعی به نام «گودال D» در میان طبقات دوران یخ‌بندان به عرض و طول دو متر کردند و در آن چهار قشر متمایز را مشخص نمودند که شامل سنگ ریزه‌های سیاه بود و در فاصله هریک از این قشرها ماسه ولای قرارداد است. زیرا این طبقات که از دوران یخچالها بود قشر دیگری از ماسه دیده شد و بالاخره کمی پایین‌تر به قشری از سنگ ریزه قرمز رنگ مخلوط با ماسه و خاک رس برخورد کردند. در این قشرها اشیائی از سنگ چخماق به دست آمد که متعلق به دوران «پالئولیتیک» بود. در قشر چهارم در این طبقه و در زیر قشر سنگ ریزه‌ها سه اسکلت انسان پیدا شد که احتمالاً در حدود هفتاد و پنج هزار سال پیش از میلاد در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند.

آثاری که از غارهای کمر بند و هوتو پیدا شد همه مکمل یکدیگر اند و به ما اجازه می‌دهد که در ناحیه مازندران تحول وجود انسان را از دوران‌های یخ‌بندان تا عصر حاضر مشخص نمائیم. در واقع غار هوتو آثار تمدن دوران آهن و برنز و تمدن دوران‌های «کالکولیتیک» و «نئولیتیک سفال» موجود است. در غار کمر بند نیز آثار دوران «نئولیتیک سفال» به چشم می‌خورد. ولی در یکی از طبقات زیرین آثار دوران «نئولیتیک

پیش از سفال» و پیش از دوران زراعت نیز دیده می‌شود. در طبقه پایین‌تر دو مرحله از تمدنی که پایه آن روی شکار حیوانات قرار گرفته و متعلق به دوران «اوریناسین Aurignacien» پالئولیتیک جدید» می‌باشد دیده می‌شود. سپس يك طبقه جدید پدیدار می‌شود که در آن اثری از انسان وجود ندارد و این طبقه در حدود دوران پالئو-لیتیک متوسط واقع است. وجود چنین تمدنی در نتیجه پیدایشهای دیگر که بوسیله «کون» در سال ۱۹۴۹ در غارهای بیستون و تمتما Tamtama و خونیک به عمل آمد تأیید شد.

پس از این طبقه خالی مجدداً در غار «هوتو» پدیده‌های دوران «پالئولیتیک قدیم» نمایان می‌گردد و در آن طبقات استخوانهای انسان متعلق به همان دوران ظاهر می‌شود. در واقع در هیچیک از نقاط ایران اطلاعات مبسوطی راجع به تمدنهای گذشته مردم این سرزمین مانند اطلاعاتی که در غارهای مذکور به دست آمده، کشف نگردیده است.^{۴۸} (عکسهای شماره‌های ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲)

منابع درباره غار هوتو و کمر بند

- ۱- گزارش دو ماهه کمیسیون ملی یونسکو شماره ۱ و ۲ جلد چهارم آذرودی و بهمن و اسفند ۱۳۳۰.
- ۲- غار هوتو به قلم حبیب‌الله صمدی، مجله مهر سال هشتم شماره يك، فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۳- غار کمر بند و هوتو به قلم حبیب‌الله صمدی، مجله مهر سال هشتم شماره چهارم تیر ماه ۱۳۳۱.
- ۴- مجله لایف Life شماره ششم دوره یازدهم، ۱۰ سپتامبر ۱۹۵۱.
- ۵- American Philosophical Society يك نسخه از این رساله در موزه ایران باستان است.^{۴۹}
- ۴۸- باستان‌شناسی ایران صفحات ۵۳ و ۵۴.
- ۴۹- بهشهر ص ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۲.

۶- در روزنامه اطلاعات چهارشنبه بیستم شهریورماه ۱۳۳۶ شمسی تحت عنوان «کشف دوغار عجیب در مازندران» مطالبی درباره این دوغار تاریخی چاپ شده است.

شبه جزیره میانکاله

در بخش قراطفان اشرف (= بهشهر)

شبه جزیره میانکاله بر مدار ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۵۴ درجه و یک دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ قرار دارد. تا جائیکه می‌دانیم قدیمی ترین تعرض روسها به آبسکون و میانکاله در دوران حکومت حسن بن زید بن محمد علوی (۲۵۰ تا ۲۷۷ قمری) بوده است و حسن بن زید بالشکریان خویش جمله را کشته است. چندسالی از این تعرض نگذشته بود که دست به حمله دیگری زدند.

ابن اسفندیار در این باره می‌نویسد:

در این سال (۲۹۷ قمری) شانزده پاره کشتی به دریا پدید آمد از آن روسان و به آبسکون شد. آبسکون و سواحل دریا بدان طرف خراب کرده و به تاراج داده بودند و بسیار مسلمانان را کشته و به غارت برده. ابوالضراغ احمد بن قاسم والی ساری بود. این حال به ابوالعباس بن نوح نبشت. مدد فرستاد و روس به «انجیله» که به عهد ما (۶۰۶ قمری) «کاله» می‌گویند فرود آمده بودند. شبیخون به سرایشان برد و بسیاری را بکشت و اسیر گرفت و به نواحی طبرستان فرستاد.

تاسالی دیگر (۲۹۸ قمری) با عدد انبوه بیامدند و ساری و نواحی پنجاه هزار سوخته و خلایق را اسیر برده و به تعجیل با دریا رفته و تا به حد چشم رود به دیلمان رسیده و بعضی بیرون رفته و بعضی به دریا بوده. گیلان به شب به کنار دریا آمدند و کشتیها سوخته و آن جماعت را که بیرون

بودند کشته و دیگران که به دریا بودند گریخته، شروان شاه پادشاه چون از این حال خبر یافته بود، به دریا کمین فرمود و تا آخر ایشان یکی را زنده نگذاشت و تردد روسان از این طرف منقطع شد.^{۵۰}

از این عبارات معلوم می‌شود که در حدود ۲۹۰ قمری انجیله = کاله = میانکاله برجای بوده است و اراضی آن را نمی‌توان جزء اراضی نوپیدا (مستحدثه) دانست. دیگر اینکه روسان از قدیمی‌ترین ایام نسبت به اراضی ایران چشم طمع داشته‌اند. شبه جزیره میانکاله شکارگاه شاه عباس اول بوده است. اسکندر بیک منشی میانکاله را «میان‌کال» می‌خواند و در باره آن می‌نویسد:

چون فصل نشاط انگیز بهار و موسم خرمی و لطافت ازهار نزدیک رسید، هنگام شکارهای دارالمرز بتخصیص شکار «میان‌کال» و زنگول گیلان است.^{۵۱}

مؤلف عباسنامه در باره میانکاله می‌نویسد:

در سال ۱۰۷۰ شاه عباس دوم شکار جرگه‌ای در میانکاله راه انداخت. جعفرقلی بیک به مقتضای فرمان، دو باب تالار در توتنه بن به مسافت سیصد ذرع و دو باب در دروازه وازی احداث کرد. شاه پس از ورود به فرح آباد، از اعمال مازندران و گیلان و هزار جریب و استراباد برای تهیه دام کمک خواست و خود از فرح آباد متوجه میانکاله شد و مراجعت نمود و متوجه اشرف شد و سپس روانه پرسته کله و بردجه کله و عباس-آباد شد. پس از آنکه جمعیت اهل جرگه حاضر شدند. خود به قریه چارمان^{۵۲} که دو فرسخی میانکاله است رفت و دستور داد که شروع به راندن شکار کنند. پس از انجام اعمال شکار جرگه، به طرف دروازه وازی رفت و در آنجا استراحت کرد.^{۵۳}

۵۰- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۲۶۶. ۵۱- عالم آرا ج ۲ ص ۸۸۹.

۵۲- امروز چهار امام گویند. ۵۳- عباسنامه ص ۲۲۷ تا ۴۲۹.